



۲۰۲۰/۱۰/۱۰

عارف عباسی

سیلاب تباہ کن



عمیق ترین تأثرات، تألم، غم و اندوه بیکران، با سوز و گداز صادقانه خود را به نام یک انسان، افغان و مسلمان به مناسبت قربانیان سیلاب های مدھش اخیر در وطن ابراز می نمایم. این سیلاب که مردم بی خبر، زجر دیده و بلاکشیده ما را در خواب غافلگیر ساخت. تلفات نهایت سنگین مالی و جانی بار آورد.

مردمانی که حاصل زحمات و رنج های یک ساله شان به نوع خرمن های گندم انباشته در زمین و انگور های آماده به فروش آویزان در تاک ها بود. با این خرمن ها و انگور باغ ها هزاران آرزوی یک ساله یک خانواده گره خورده بود، ولی دست قهار طبیعت بر این ستم دیدگان روزگار رحم نکرد و کلوی مردمی فشرده که در انواع مصائب گرفتار بوده اند و آرزوهای شان را زیر توده های گل و لوش ناپدید ساخت.

باور کن وطندار که قلم من از بیان سوزش این درد استخوان سوز عاجز است. با کی سر جنگ گیرم، با فلک؟ با آسمان؟ و تقدیر و یا خیانت و جنایت بنی نوع بشر، و برای کی یخن بدرم و به کدام مرجع فریاد بر آرم و از کدام بدبختی این ملت حکایت سر دهم. وطن دار! این سردمداران سوار بر گرده مردم، با پنجه های حلقه شده شان دور گردن مظلومان. این هایی که از خود رهبر و پیشوا ساختند و رتبه مارشالی به زور گرفتند و از زعیم و رئیس صرف به نام فرمان بردار، بلی گوی و چاکر ساختند و در دسایس دشمنان ما در آویختند، این قماش نه تنها ملیون ها دالر دزدیدند بلکه مردم را در اسارت کشانده قبض روح آزادگی نموده خون شان مکیدند.

بیائید به روح رفتگان این حادثه دردناک و قربانیان هر روزه مردم ما توسط غلامان حلقه به گوش پاکستان و ایران اتحاف دعا نموده دست به کیسه بریم و برابر وسع و توان، دین وطن داری ایفا کنیم و دست افتادگان گیریم.

**** * * * * *



[برای مطالب بیشتر این نویسنده لطفاً اینجا را کلیک کنید](#)

